



سفرنامه

عمان؛ کشورهای لذیذ و معماری جذاب



فاطمه قاسمی | روزنامه نگار

عمان، کشوری پادشاهی است که با ایران مرز آبی دارد. «مسقط»، پایتخت و بزرگ‌ترین و زیباترین شهر این کشور است که ما آن را با جلوی معروف مسقطی اش خوب می‌شناسیم. مردم عمان به‌طور وسواس گونه‌ای به پاکیزگی اهمیت می‌دهند و در ست مثل شهرشان همیشه خوش‌عطر و آراسته هستند. اگر قرار باشد به‌خاص‌ترین جاذبه طبیعی عمان اشاره کنیم، انتخاب‌مان قطعاً «حفره هویه‌النجم» یا «حفره بی‌ماه» است. محلی‌ها بر این باورند که این حفره بی‌نظیر را فضایی‌ها به‌وجود آورده‌اند. برخی هم معتقدند این چاله بر اثر برخورد شهاب‌سنگ به زمین به‌وجود آمده اما به‌گفته دانشمندان احتمالاً حاصل تخریب لایه‌های سنگ آهکی زیرزمینی است. هرچه که باشد، «هویه‌النجم» بزرگ‌ترین حفره روی کره زمین با آب شیرین است که طول و عرضش ۵۰ در ۷۰ متر و عمق آن ۲۰ متر است. مسجد بزرگ «سلطان قابوس» از مهم‌ترین دیدنی‌های عمان است. این مسجد شاهکار معماری مدرن اسلامی است و دومین فرش بزرگ ایرانی در سراسر دنیا را که بافتن آن توسط ۶۰۰ نفر از زنان کشور مان چهار سال طول کشیده و بزرگ‌ترین چلچراغ‌ها را در دل خود جای داده‌است. از خوشمزه‌های عمان هم اگر بخواهیم بگوییم، «شوا» در راس همه خوراکی‌های این کشور قرار می‌گیرد. شوا یک نوع گوشت گریل شده است که عمانی‌ها برای مناسبت‌های ویژه تدارک می‌بینند. برای پخت آن به‌دو تا سه روز زمان نیاز است. ویژگی خاص این غذا، طعم‌دار شدن گوشت در ادویه‌های خاص، پیچیده شدن در برگ درخت موز و نخل و در نهایت پختن آن داخل تنور سنگی است.



نگاتیو

عکاسی ماکرو



مرجان دهقان | عکاس

گنجاندن سوژه‌ای کوچک در یک قاب ظرافت و دقت عمل خاصی را می‌طلبد. کشف‌دوزکی که روی برگ در حال حرکت است، منتظر نمی‌ماند تا تصویرش را ثبت کنید. هر چند سوژه‌های ماکرو همیشه هم متحرک نیستند. یک برگ، قطره آب یا صدف هم می‌توانند سوژه عکس ماکرو باشند.



وضوح احاطه‌شده

در عکاسی ماکرو تضاد ناشی از یک عنصر واضح که در محیطی تاری احاطه شده، بسیار خیره‌کننده است. گرفتن این نتیجه، مستلزم فوکوس دقیق روی عنصر اصلی قاب است. به‌طور مثال اگر از یک سنجاقک عکاسی می‌کنید، چشم‌ها حساس‌ترین نقطه فوکوس هستند. اگر به جای چشم قسمت دیگری در فوکوس باشد، احتمالاً تأثیرگذاری قاب‌تان را از دست می‌دهید. به همین دلیل بهتر است فوکوس را دستی اعمال کنید تا ضریب خطا کاهش یابد. اگر با دوربین حرفه‌ای عکاسی می‌کنید، حلقه فوکوس را تا جایی بچرخانید که وضوح دقیقاً روی همان قسمتی قرار بگیرد که نقطه عطف قاب‌تان است. در موبایل گرافای معمولاً برای پیدا کردن نقطه فوکوس دقیق باید موبایل را کمی جابه‌جا کنید تا دوربین محل در ست وضوح را پیدا کند. به‌عنوان تمرین چند قطره آب روی یک سطح بچکانید و آن را ثبت کنید. بهتر است طوری کادر بندی کنید تا قاب‌تان عمق داشته باشد. قابی که هیچ عمق و بعدی ندارد یا کاملاً مسطح است، امکان ایجاد تضاد وضوح و تاروی همزمان را ندارد.

جزء از کل

در عکس ماکرو عکاس قصد دارد توجه بیننده را به جزئیات جلب کند، به همین دلیل لازم است تا جای ممکن به سوژه نزدیک شود و لنز را در زوم‌ترین حالت ممکن تنظیم کند. با این کار عنصرهای اضافه را از قاب حذف می‌کند و جزئیات مدنظرش بیشتر به چشم می‌آید. ترفند دیگر این تکنیک، بهره‌بردن از عمق میدان است. هرچه سوژه اصلی وضوح بیشتری نسبت به عمق داشته باشد، کارتان را تمیزتر انجام داده‌اید. دیافراگم‌تان را کاملاً باز کنید تا عمق میدان کمتری داشته باشید. باز بودن دیافراگم و فاصله دوربین تا سوژه دو عامل مؤثر در عمق میدان هستند. هرچه دیافراگم‌تان را روی عدد کوچک‌تری بگذارید، دست‌تان برای بالا بردن سرعت شاتر بازتر است. به این ترتیب فضاهای کم‌نور و سوژه‌های متحرک محدودیتی برای تان ایجاد نمی‌کنند. همچنین می‌توانید از ایزو ۱۰۰ بهره‌برید که بهترین حالت آن است. اگر جایی برای جبران نور محیط مجبور به بالا بردن ایزو شدید، حواس‌تان باشد که بهای آن پایین آمدن کیفیت عکس‌تان است. نورسنجی در عکاسی ماکرو را بر عهده شاتر بگذارید. سرعت شاتر را تا جایی بالا بیاورید که نشان‌کن آن در وسط طیف قرار بگیرد. اگر در محیط پر نوری قرار دارید، می‌توانید یک پله عکس‌تان را تیره‌تر نورسنجی کنید.

بالتازار

دود سفید رنگی که از برخی هواپیماها در آسمان به جامی ماند، از کجایم آید؟



سیمه‌احمدیان | روزنامه نگار

حتماً تا حالا متوجه‌زد سفید رنگی شده‌اید که به‌مدت چند ثانیه بعد از گذشتن هواپیمایی در آسمان به‌جامی ماند. این رد سفید رنگ گاهی کیلومترها در آسمان کشیده و گاهی هم به‌سرعت ناپدید می‌شود. حتماً به بخار سفیدی که هنگام نفس کشیدن در هوای سرد از دهان‌تان بیرون می‌آید هم دقت کرده‌اید؛ این دقیقاً همان اتفاقی است که برای هواپیماها می‌افتد. در ارتفاعات بالا مثلاً حدود ۹ کیلومتر بالاتر از سطح دریا، هوا سرد و رقیق است و دما تقریباً بین ۴۵- تا ۶۱- درجه سانتی‌گراد. در چنین شرایطی وقتی موتور هواپیما سوخت خود را می‌سوزاند، ماده‌ای - بیشتر کربن دی‌اکسید و آب- را در فضا آزاد می‌کند. وقتی این ماده داغ از آگزوز هواپیما خارج می‌شود، به هوای سرد ارتفاعات برخورد و قطرات آب آگزوز را به یخ تبدیل می‌کند و باعث به‌وجود آمدن آن‌زد سفید در آسمان می‌شود. حالا این که چرا گاهی یک خط سفید طولانی می‌بینید و گاهی آن‌قدر کم‌رنگ و کوتاه است که به‌سرعت محو می‌شود، بستگی به نوع آب و هوا دارد؛ یعنی در شرایط هوایی که میزان رطوبت بالاست، زد سفید طولانی‌تر دیده می‌شود و در رطوبت کمتر، کوتاه‌تر. پس شاید گاهی شما هم با این زد سفید به‌جامانده در آسمان بتوانید آب‌وهوا را پیش‌بینی کنید، مثلاً اگر طولانی باشد یعنی احتمالاً توفانی در پیش است و اگر کوتاه باشد،

دیدنی

چیزهایی که نمی‌دونی!



زنبورها می‌توانند تا ارتفاعی بالاتر از کوه‌اوست پرواز کنند

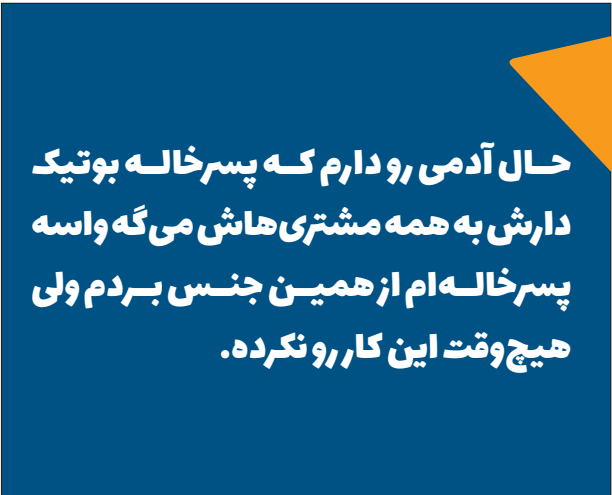


در زمان حیات دایناسورها که ماه‌آشفشان‌های فعال داشته‌است



به وسیله پرینترهای سه‌بعدی، ناسا می‌تواند ابزارهای فضا نوردان را با ایمیل برای آن‌ها ارسال کند

اندراحوالات



حال آدمی رو دارم که پسر خاله بوتیک دارش به همه مشتری‌هاش می‌گه واسه پسر خاله‌ام از همین جنس بر دم ولی هیچ وقت این کار رو نکرده.

رفقا سلام!
تو این چند شماره‌ای که از نگاتیو می‌گذره، اصول عکاسی رو کم‌وبیش یادگرفتین. حالا برای این که بفهمین چند مرده‌حلاجین، وقتشه دست‌به‌دوربین بشین. تا شنید عکس‌هایی رو که با دوربین عکاسی یا تلفن همراه گرفتین، برامون بفرستین تا در شماره‌های بعدی با اسم خودتون منتشر بشه و نقدشون کنیم. این طوری قوت و ضعف کارمون هم معلوم می‌شه.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰

خودت بساز

لازم نیست پیکاسو باشی!



مهسا فارسی | روزنامه نگار

مدت‌ها بود در «خودت بساز» خبری از نقاشی و هنر نداشتیم. اگر یادتان باشد قبلاً به سراغ نقاشی با نخ و رنگ اکریلیک و خلق تابلویی با نمایی از تنه درختان رفته بودیم. این هفته قرار است شما را با یکی دیگر از ترفندهای نقاشی با نخ و رنگ آشنا کنم.

● همه‌آن‌چه نیاز دارید: نخ کاموا، رنگ اکریلیک، مقوای رنگی

ظرفی یک‌بار مصرف بردارید و مانند تصویر رنگ اکریلیک را به‌شکل نواری روی آن بریزید. می‌توانید فقط از یک رنگ یا مانند تصویر از چند رنگ استفاده کنید که به سلیقه‌تان بستگی دارد. تکه بلندی از نخ کاموا را روی نواری رنگی‌تان قرار دهید. با انگشت یا با کمک چوب بستنی، نخ و رنگ را به‌هم‌آغشته کنید. مقوای رنگی یا مقوای ساده‌تان را بردارید و نخ آغشته به رنگ را به آرامی مانند تصویر روی آن قرار دهید، طوری که شبیه علامت سوال شود. سپس نخ را آهسته‌آهسته از انتهای آن بگیرید و به سمت خودتان بکشید. هر قدر با تمرکز بیشتری این کار را انجام دهید، نتیجه تمیزتری خواهید داشت. حالا طرحی شبیه گل روی مقوا پیاده کردید. اگر برای این کار از دو مقوای یک‌اندازه استفاده کنید و در حالی که نخ رنگی، وسط آن دو مقوای قرار

دارد، نخ را بکشید، آن وقت دو طرح قرینه خواهید داشت. حواس‌تان باشد که اصلاً دست‌تان نلزد و دو تکان نخورد. در نهایت اگر نقاشی‌تان خوب و حرفه‌ای از آب در آمد، قابی برایش بسازید یا روی تخته‌ای آن را بچسبانید و روی دیوار اتاق نصب کنید.



آثار شما

روز اعلام نتایج

عاطفه اکبری | ۱۵ ساله



اگر در چرخ گوشت چرخ می‌کردند، این قدر حرص نمی‌خوردم! هر روز چسبیده به رایانه، با انگشت لِرزان روی موس کلیک می‌کردم و با دیدن صفحه خالی، عین بادکنک خالی می‌شدم. هر روز به خودم می‌گفتم از فردا دیگر سمت رایانه نمی‌روم اما حرفم چند ساعت بیشتر دوام نمی‌آورد. رایانه را روشن می‌کنم، باز در دلم سیر ترشی می‌اندازند و باز هم صفحه خالی. آن روز مثل همیشه زل زده بودم به مانیتور. از عصبانیت توپ کنار میزم را که بیشتر شبیه تخم مرغ غول‌پیکری بود، پرت کردم به سمت دیوار. توپ برگشت و به سرم خورد. همان طور که از خشم و در دسرم را گرفته بودم، افتادم روی تخت. چشم‌هایم سنگین شد. کمی بعد صدای تلفن از خواب بیدارم کرد. ریحانه بود، دوست صمیمی‌ام: «-اسم رو دیدی؟ توی لیست بود، اصلاً باورم نمی‌شه!» «+لیست چی؟» «-اعلام نتایج دیگه، برو توی سایت»، «-باشه، قطع نکنی‌ها!» باز هم رایانه، کلیک و صفحه خالی. کسل گفتم: «سایت خالیه!»، پرسید: «آدرس رو درست زد؟» جواب دادم: «آره بابا» و داشتم آدرس سایت را برایش می‌خواندم که چشمم به عنوانش افتاد؛ اعلام برندگان قرعه‌کشی «تایید مجید»! تایید مجید؟ امان از حواس پرتی! ریحانه آدرس سایت را برام خواند. روی «اعلام نتایج» کلیک کردم. زمان رفت روی دور کند. دنبال اسمم گشتم؛ احسان پور، اخلاقی، اصغری، اکبری، اکبری! طوری جیغ کشیدم که انگار یک سوسک بزرگ بالدار روی میزم است. مادر م ملاقه به دست سر رسید: «کو، سوسکه کجاس؟» توان حرف زدن نداشتم. به مانیتور اشاره کردم. با دقت، مانند وقت‌هایی که مورا از ماست بیرون می‌کشد تا دست آدم را رو کند، زل زد به رایانه. خیالش که راحت شد، محکم بغلم کرد و یک ماچ‌کنده از لیم گرفت. دیگر حواسم به هیچ چیز نبود، نه پیشانی در دنا کم و نه گوشه افتاده روی میز که ریحانه هنوز پشت خطش بود. هیچ چیز مهم نبود، مهم من بودم که در مدرسه نمونه دولتی قبول شده بودم.